

مطالعه‌ی تطبیقی شرکت شخص واحد در حقوق ایران و اتحادیه‌ی اروپا با نگاهی به لایحه‌ی جدید تجارت مصوب ۱۳۹۱

مهدی فلاح خاریکی^۱

فخرالدین اصغری آقمشهدی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۱۹

چکیده

تاسیس شرکت تجاری با یک شخص که از آن با عنوان «شرکت شخص واحد» یا «شرکت تک عضوی» یاد می‌شود، علیرغم اینکه در دستورالعمل دوازدهم شورای اروپا و اصلاحیه‌های بعدی آن و لایحه‌ی تجارت مصوب ۱۳۹۱، پیش‌بینی شده است، اما نه دستورالعمل و نه لایحه‌ی تجارت هیچ کدام دربردارنده‌ی مقررات جامعی راجع به نحوه‌ی تصمیم‌گیری، مدیریت و کنترل شرکت، معاملات شرکت و شخص واحد و چگونگی جلوگیری از سوءاستفاده از شرکت توسط شخص واحد نیستند.

این مقاله با روش تحقیق تطبیقی بر آن است تا رابطه‌ی شرکت و شراکت و گسست آن دو از یکدیگر را مورد بررسی قرار داده و با تجزیه و تحلیل مزایا و معایب ساختار چنین شرکتی با روش توصیفی-تحلیلی پیشنهادهایی راجع به تکمیل و اصلاح نواقص لایحه‌ی تجارت ارائه کند. بررسی شرکت شخص واحد نشان می‌دهد که در نظام حقوقی ایران پذیرش شرکت شخص واحد پیش از هر چیز، مستلزم تعریف شرکت تجاری در قانون تجارت به گونه‌ای است که بیانگر گسست مفهوم شرکت از شراکت باشد. علاوه بر این، تجویز شرکت شخص واحد بدون تعیین قوانین جامع و مانع راجع به مدیریت و انعقاد معاملات با شرکت و تصمیم‌گیری شخص واحد و غیره موجب سوءاستفاده‌هایی توسط شخص واحد می‌گردد. به همین دلیل بر مبنای بررسی‌های انجام شده در این مقاله پیشنهادهایی جهت تکمیل لایحه‌ی تجارت ارائه می‌شود.

^۱ استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد آیت الله آملی، دانشگاه آزاد اسلامی، آمل، ایران.

mehdifallah@gmail.com

^۲ استاد گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

واژگان کلیدی: شراکت؛ شرکت شخص واحد؛ دستورالعمل دوازدهم؛ لایحه‌ی تجارت.

مقدمه

مطابق ماده ی ۲ دستورالعمل پارلمان اروپا^۱ مصوب ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۹ راجع به شرکت با مسئولیت محدود شخص واحد^۲ یا تک‌عضوی،^۳ یک شرکت با مسئولیت محدود می‌تواند توسط یک شخص تشکیل شود و یا ممکن است با یک شخص به عنوان شرکت تک‌عضوی فعالیت کند بعد از اینکه در طی حیات شرکت، اعضای آن به یک شخص کاهش پیدا کرده و تمام سرمایه شرکت به یک شخص منتقل شده باشد.^۴ اولین سوالی که باید بدان پاسخ داده شود این است که

^۱ منظور از حقوق شرکتهای اتحادیه ی اروپا مجموعه قواعدی است که توسط نهادهای اتحادیه ی اروپا اعم از شورا یا پارلمان راجع به مسائل شرکت های تجاری تصویب می شود با این هدف که عملکرد بازار داخلی را تضمین نماید. در واقع حقوق شرکتهای اتحادیه ی اروپا به دنبال این نیست که جایگزین حقوق شرکتهای کشورهای عضو شود؛ بلکه به دنبال نزدیک کردن راه حل های قوانین ملی است (Miao, 2012, p.1).

^۲ در نوشته‌های حقوقی ایران از چنین شرکتی با عنوان «شرکت تک شریک» و یا «شرکت تک‌عضوی» یاد می‌شود (تفرشی و امیر تیموری، ۱۳۹۲، ۱۴۵؛ اسکینی، ۱۳۸۳، ج ۱، ۱۸؛ محمودی، ۱۳۸۴، ۱۲۳؛ اما، هیچ کدام از این اسامی دقیق نیستند. چراکه در شرکتی از اصطلاح شریک استفاده می‌شود که تعداد مالکان آن حداقل دو شخص باشد تا شراکتی وجود داشته باشد. به همین دلیل، شرکت تک شریک اصطلاحی حاوی تناقض است. از طرف دیگر، در یک شرکت تجاری سهام داران یا شرکا آورندگان سرمایه و یا به عبارت دقیق تر مالکان مشاع شخص شرکت می باشند نه اعضای شرکت. به همین دلیل، ما در این مقاله از اصطلاح شرکت شخص واحد استفاده می کنیم زیرا چنین شرکتی در مالکیت تنها یک شخص می‌باشد. ر.ک.: همین مقاله، شماره ۱-۱).

^۳ Directive 2009/102/EC of the European Parliament and of the Council of 16 September on Single Member Private Limited Liability Companies, 2009, p. 20 – 25.

دستورالعمل دوازدهم بخشی از برنامه کنترل و اداره ی موسسات متوسط و کوچک است (Andenas & Wooldridge, 2009, p.42). این موسسات عبارت هستند از موسسه ی بسیار کوچک که حداکثر ۱۰ خدمه دارد و موسسه ی کوچک که حداکثر ۵۰ خدمه دارد و موسسه ی متوسط که دارای حداکثر ۲۵۰ کارگر است. پیش از این دستورالعمل، در سال ۱۹۸۹، شورای اروپا دستورالعمل دوازدهم حقوق شرکتهای را که راجع به شرکتهای با مسئولیت محدود تک‌عضوی بود به تصویب رسانده بود و بعدها چندین بار در سالهای ۱۹۹۴، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۶ مورد اصلاح واقع شده بود.

^۴ پیش از دستورالعمل دوازدهم در اروپا شرکت شخص واحد تنها در کشورهای آلمان فرانسه بلژیک هلند و دانمارک پذیرفته شده بود (Andenas & Wooldridge, op.cit., p.42). برای دیدن تفاوت شرکت شخص واحد و نهادهای مشابه همانند مالکیت انفرادی (Sole proprietorship) و موسسه ی انفرادی تاجر (Sole trader enterprises) ر.ک.: (Miao, op.cit., p.5; Cataldo, 1953, p.474).

امکان تشکیل شرکت با یک شخص، ناشی از تغییر و تحول در مفهوم شرکت است یا اینکه تجویز تشکیل شرکت شخص واحد به عنوان استثنایی ناشی از الزامات بازار بر قاعده‌ی تعدد شرکا است؟ در نظام فعلی ایران با وجود اینکه قانونگذار تعدد شرکا را در تشکیل شرکت تجاری الزامی دانسته اما، راجع به ضمانت اجرای کاهش تعداد شرکا از حداقل قانونی سکوت کرده است. سوال مطرح این است که اگر تعداد شرکای شرکت موجود، از حداقل قانونی کمتر شود و به یک شخص تقلیل یابد، آیا شرکت مزبور منحل می‌شود؟

با توجه به مواد ۴۷۹ و ۴۸۸ لایحه‌ی تجارت مصوب ۱۳۹۱^۱، تشکیل و استمرار حیات شرکت با یک شخص، تنها در قالب شرکت با مسئولیت محدود پیش بینی شده است. سوالی که مطرح می‌شود این است که از لحاظ تحلیلی امکان تشکیل شرکت شخص واحد در قالب شرکت تضامنی و نسبی نیز امکان پذیر است؟ مبنای اختصاص تشکیل چنین شرکتی در قالب شرکت با مسئولیت محدود چیست؟

علاوه بر این مسائل، نه دستورالعمل دوازدهم و اصلاحیه‌های بعدی آن و نه لایحه‌ی تجارت ایران، هیچ کدام مقررات جامع و مانعی راجع به نحوه‌ی تصمیم‌گیری در شرکت شخص واحد، کنترل احتمال سوء استفاده شخص واحد از اختیارات و وظایفش به ضرر اشخاص ثالث و شرکت، تحدید و کنترل معاملات مدیران پیش بینی نکرده‌اند.

^۱ لایحه‌ی تجارت طبق اصل هشتماد و پنجم (۸۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در جلسه روز سه شنبه مورخ ۶/۱۰/۱۳۹۰ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی با اصلاحاتی تصویب و در جلسه‌ی علنی روز چهارشنبه مورخ ۲۳/۱/۱۳۹۱ مجلس با اجرای آزمایشی آن به مدت پنج سال موافقت گردیده است. پس از ارسال لایحه به شورای نگهبان، این شورا بدوا و بدون ورود در ماهیت به تصویب این لایحه در کمیسیون ایراد گرفت با این استدلال که به استناد اصل ۸۵ قانون اساسی و اگذاری تصویب قوانین به کمیسیون فقط در موارد ضروری جایز است و در مورد قانون تجارت با توجه به وجود قانون دائمی ضرورتی وجود ندارد و قانون جدید باید در صحن مجلس تصویب شود، لایحه را به مجلس عودت نمود. برای مشاهده‌ی روند تصویب لایحه‌ی مذکور و ایرادات موجود ر.ک: سایت مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی:

در این نوشتار، ابتدا به بررسی مفهوم شرکت و شراکت و زمینه‌ی فکری ظهور شرکت شخص واحد پرداخته می‌شود. در قسمت بعد از قالب‌های شرکت شخص واحد بحث خواهد شد و در نهایت، نحوه‌ی تصمیم‌گیری شخص واحد، وضعیت معاملات میان شرکت و شخص واحد و چگونگی جبران سوءاستفاده شخص واحد از شرکت در زیر حجاب شخصیت حقوقی مستقل شرکت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. مفهوم شرکت شخص واحد و مبنای فکری ظهور آن

در این قسمت ابتدا به این مسئله پرداخته می‌شود که اساساً شرکت که جوهره‌ی آن بر مشارکت اشخاص بنا شده است چگونه ممکن است با یک شخص تشکیل شود؟ سپس در قسمت دوم تعریف مختصری از شرکت شخص واحد ارائه و به بررسی ماهیت آن مبادرت می‌شود.

۱-۱. لزوم گسست شرکت از مفهوم شراکت

آنچه که در بادی امر از مفهوم شرکت به ذهن متبادر می‌شود، همکاری و مشارکت دو یا چند شخص در جهت دستیابی به منافع و تقسیم آن می‌باشد. یکی از مزایای فعالیت از طریق شرکت تجاری بر فعالیت تجار انفرادی، فراهم شدن سرمایه بیشتر و تجمع تخصص‌های گوناگون برای رسیدن به هدفی واحد است (اسکینی، ۱۳۸۳، ۱: ۷-۱) علاوه بر این، با مشاهده تعریف اساتید حقوق از شرکت تجاری، عنصر مشارکت یکی از عناصر اساسی یک شرکت تجاری و همکاری شرکا عاملی ضروری برای ایجاد آن قلمداد می‌شود چراکه یکی از خصایص شرکت تجاری تقسیم منافع و زیانهای احتمالی به عنوان هدف آن می‌باشد (کاتبی، ۱۳۸۷: ۴۴؛ اسکینی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۸؛ حسینی تهرانی، ۱۳۶۵: ۳۳).

سوالی که در این قسمت مطرح می‌شود این است که شرکت تجاری با مفهوم مشارکت جمعی، چگونه ممکن است با یک شخص تشکیل و اداره شود؟ آیا وجود شرکت شخص واحد امری استثنائی در حقوق شرکت‌ها است یا مفهوم شرکت در طی زمان تغییر و تحول پیدا کرده است به گونه‌ای که امکان تشکیل شرکت توسط یک شخص نیز وجود دارد؟

به نظر می‌رسد مبانی فکری ظهور شرکت شخص واحد را باید در تحول و گسستی جستجو کرد که در مفهوم شرکت پدید آمده است. در آغاز، در تاریخ حقوق شرکت‌ها، تشکیل شرکت تنها با یک شخص ممنوع بود و شرکت تجاری جمعی از اشخاص بودند که اتحاد منافع و مشارکت شرکا جزو مقتضای ذات این نهاد محسوب می‌شد. در این شرایط، تشکیل شرکت نیازمند توافقی بود که ضرورتاً به حضور حداقل دو شخص نیاز داشت و جایگزینی یک شخص به جای آنها غیرقابل تصور بود. در واقع، میان مفهوم شرکت و شراکت تمایزی قائل نبودند. به همین دلیل حقوقدانان به اتفاق بر این نظر بودند که لزوم تعدد شرکا یکی از اصول حاکم بر شرکتهای تجاری است و این شرکت‌ها از ماهیتی قراردادی برخوردارند؛ اما به تدریج این ممنوعیت برداشته شد و در ابتدا با تجویز ادامه‌ی حیات شرکت‌هایی که تعداد اعضا از حداقل قانون کمتر شده بودند راه را برای پذیرش شرکتهای تک‌عضوی باز کردند (نفرشی و امیرتیموری، ۱۳۹۲: ۱۴۶).

همانند توسعه‌ی سایر شاخه‌های حقوق، تحول در این بخش از حقوق شرکتهای نیز تحت تاثیر الزامات بازار و اهمیت اقتصادی استمرار حیات شرکتهای تجاری بوده است. در اقتصادهای دولتی یا بسته توجیه این تحول، در وجود جوامع ملی شده بود که دولت خواست تا به تنهایی مالکیت موسسه‌ی تجاری را در اختیار داشته باشد. از طرف دیگر، در نظام‌های سرمایه‌داری اطمینان طلبکاران اقتضا می‌کرد که یک شرکت تجاری، خود به خود منحل نشود وقتی که در زمان فعالیت شرکت، تمام سرمایه در دستان یک شخص متمرکز شود.

در هر حال، وقتی از شرکتهای شخص واحد یا تک‌عضوی صحبت می‌شود در واقع سخن درباره‌ی شرکتهای است نه شراکت‌ها. این تقسیم‌بندی یا تفکیک میان شرکت و شراکت، برای توجیه این امر که حتی بدون یک قرارداد در مفهوم عادی کلمه نیز یک شخص می‌تواند تنها سهامدار شرکت باشد، باید در نظر گرفته شود (Katinka, 2010:2)

در نظام حقوقی ایران با توجه به قانون و نظریه‌های حقوقی، مفهوم شرکت از شراکت منفک نشده است. در نتیجه، شرکت تجاری بر مبنای شراکت تحلیل شده است و بر همین مبنای همواره شراکت را جوهره هر شرکتی قلمداد می‌کنند (کاتبی، ۱۳۸۷: ۴۴؛ اسکینی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱). وقتی

سخن از شرکت به میان می‌آید سه مفهوم شراکت، شرکت مدنی و شرکت تجاری به ذهن متبادر می‌شود اما، وجه اشتراک همه این مفاهیم، اشاعه در مالکیت است تا جایی که ماده ی ۵۷۱ قانون مدنی، شرکت را اجتماع حقوق مالکان متعدد در شی واحد تعریف می‌کند. تعریفی که جوهره ی اصلی و سنتی تمام شرکتها را می‌بایست تشکیل دهد. به عبارت دیگر، اشاعه در حق مالکیت، مهمترین عنصر هر شرکتی است.^۱ شاید به همین دلیل باشد که در قانون تجارت تعریفی از شرکت ارائه نشده است تا همچنان شراکت جوهره ی اصلی شرکت تجاری قلمداد شود با این تفاوت که شخصیت حقوقی دارد و مطابق و قوانین و مقررات تجاری اداره می‌شود.

سبب ایجاد شراکت یا همان اشاعه در حق مالکیت، ممکن است ارادی باشد یا قهری.^۲ آنچه که بیش از همه به بحث این نوشتار مرتبط است شرکتی است که ناشی از اسباب اختیاری یعنی شرکت عقدی باشد. قانون مدنی در ماده ی ۵۷۳، عقد را یکی از اسباب ایجاد اشاعه قرار داده است. به عبارت دیگر شرکت عقدی اشاعه در مالکیتی است که به وسیله ی یکی از عقود ناقله مثل بیع صلح و هبه ایجاد شده باشد. بنابراین، شرکا توافق می‌کنند که مالکیت انفرادی خود را به مالکیت اشتراکی تبدیل نمایند.

فارغ از اختلاف نظر موجود و با توجه به نظر مشهور حقوقدانان، شراکت یا اشاعه می‌تواند ناشی از عقدی مستقل با عنوان عقد شرکت باشد و نیازی نیست که مسبوق به اختلاط و امتزاج اموال شرکا باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۱۵؛ اسکینی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۴).

هرچند برخی بر این اعتقادند که تفاوت شرکت مدنی و تجاری مربوط به اشاعه در مالکیتی است که در شرکت مدنی وجود دارد (سید احمدی سجادی، ۱۳۷۸: ۱۴۲) اما، اشاعه در مالکیت وجه مشترک هر شرکتی است اگرچه در شرکت تجاری شرکا اموال خود را به شرکت انتقال

^۱ . شرکت مفهومی است حاوی مشارکت یا مشارک که از باب مفاعله که دلالت بر دخالت حداقل دو شخص در امری دارد (یگانه، ۱۳۸۸: ۸۹).

^۲ . ر.ک. مواد ۵۷۲-۵۷۴ ق.م.

^۳ . برای دیدن نظر مخالف ر.ک: (کاشانی، ۱۳۵۶: ۲۸)

می‌دهند اما، تردیدی نیست که مالکان مشاع خود شرکت تجاری یا شخص حقوقی می‌باشند. به عبارت دیگر، مفهوم شراکت یا مالکیت مشاع که وجه اشتراک کلیه‌ی شرکتها است، در شرکت مدنی متفاوت از شرکت تجاری است. به این معنا که در شرکت مدنی به دلیل فقدان شخصیت حقوقی، شراکت در نفس اموال قابل تصور است و مالکیت هر ذره مال و در نتیجه مجموع آن به شرکا تعلق دارد. در حالی که در شرکت تجاری، دیگر حق عینی و مالکیت بر اموالی ندارند که شرکا به شرکت آورده‌اند و حق مالکیت آنها به شخص شرکت منتقل می‌شود و حقوق شرکا منحصر به سود حاصل در زمان بقای شرکت و تملک باقیمانده‌ی سرمایه پس از انحلال آن است. این حق که حقوقدانان از آن با عنوان حق خاص نام می‌برند (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۳؛ تفرشی، ۱۳۷۸: ۱۰۸) چیزی نیست جز نتایج حاصل از مالکیت شرکا بر شخص حقوقی شرکت. به عبارت دیگر، مفهوم شراکت در شرکت تجاری به معنای مالکیت شرکا بر شرکت به نحو اشاعه است. به همین دلیل، به عنوان مالک شرکت در سود و زیان شریک هستند و در صورت انحلال نه عین اموال؛ بلکه نسبتی از ارزش اموال به آنها می‌رسد. در واقع، عین آورده هر شریک، به همان شریک مسترد نمی‌شود و سرمایه‌ی شرکت اصولاً به نسبت آورده بین شرکا تقسیم می‌شود. علاوه بر این، برخلاف نظر برخی اساتید (ستوده تهرانی، ۱۳۸۸، ج ۱۰۶: ۲؛ صفری، ۱۳۴۴: ۱۵؛ اعظمی زنگنه، ۱۳۵۳: ۱۹۹)، شرکا به عنوان طلبکار شرکت دارای حق دینی نیز نمی‌باشند چراکه سهم معینی از سود را می‌برند و هنگام انحلال شرکت نیز اموال باقیمانده بین آنها تشکیل می‌شود در حالی که طلبکار تنها می‌تواند اصل طلب را بدون توجه به سود و زیان آن بخواهد و هیچ حقی پس از وصول طلبش بر اموال شرکت ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۲۳). در نتیجه، هر چند شرکا هیچ حق عینی بر اموال شرکت ندارند؛ اما مالک شرکت به عنوان یک شخص حقوقی می‌باشند و حق شرکا بر این شخص حقوقی از نوعی خاص از حق عینی اصلی می‌باشد که بین شرکا به نحو اشاعه است و مفهوم اشاعه و شراکت در شرکت تجاری به این معناست.

با این مقدمه شرکت تجاری در نظام حقوقی ما باید جوهره‌ی هر شرکت یعنی شراکت را دارا باشد. به عبارت دیگر، شرکت از اجتماع حقوق مالکان ایجاد می‌شود خواه این اجتماع و شراکت،

به اتحاد منجر شود و شخصیت حقوقی پیدا کند و یا به طور اشاعه در یک مال باقی بماند (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۲۹۴). این عنصر بی تردید، نیازمند وجود حداقل دو شخص اعم از حقیقی یا حقوقی است. به همین دلیل شرکت تجاری را یک قرارداد تعریف می‌کنند (اسکینی، ۱۳۸۳، ج ۱۷: ۱) در حالی که شرکت تجاری یک شخصیت حقوقی است که با انعقاد یک قرارداد به وجود می‌آید (کاوایانی، ۱۳۸۶: ۵۰). چراکه شراکت نیازمند حداقل دو شخص است و تنها قالبی که می‌توان شراکت را به وجود آورد قرارداد می‌باشد. بنابراین، در حقوق ما شرکت تجاری نوعی شرکت اختیاری یا به عبارت دیگر شرکت عقدی است که از زیر شاخه‌های مفهوم شرکت در حقوق مدنی می‌باشد. با این توصیف پذیرش شرکت شخص واحد در صورتی امکان پذیر است که مفهوم شرکت تجاری از مفهوم سنتی شرکت یعنی شراکت گسسته شود و این گسست زمانی حادث می‌شود که در قانون تجارت تعریف متفاوتی از شرکت ارائه شود تا شراکت که مستلزم وجود حداقل دو شخص است از مفهوم شرکت تجاری خارج شود.

با نگاهی به لایحه‌ی تجارت مشاهده می‌شود که برخلاف تفسیر فوق تعریفی از شرکت تجاری به شیوه‌ی سابق ارائه نشده است. در حالی که تشکیل و یا استمرار حیات شرکت با مسئولیت محدود با یک عضو پیش بینی شده است. این فقدان به احتمال قریب به یقین مورد ایراد قرار خواهد گرفت. چراکه شرکت در نظام حقوقی ما با مفهوم شراکت عجین است و تا زمانی که از این عنصر جدا نشود امکان تشکیل آن با یک شخص امکان پذیر نیست. به عبارت دیگر، امکان تشکیل شرکت شخص واحد در نظام حقوقی ما زمانی امکان پذیر است که مفهوم شراکت از شرکت جدا شود و این امر از طریق تعریفی مناسب و متفاوت می‌تواند میسر شود. به دلیل همین وابستگی شرکت به مفهوم شراکت و مبنای قراردادی شرکت تجاری است که حقوقدانان عموماً حداقل تعداد لازم برای ایجاد و استمرار شرکت را دو شخص دانسته‌اند و وجود شرکت شخص واحد را در نظام حقوقی ما انکار کرده‌اند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود تعریفی از شرکت تجاری در لایحه‌ی تجارت بدین شرح گنجانده شود: «شرکت تجاری، یک شخصیت حقوقی است که توسط یک یا چند نفر با توجه به قواعد و مقررات تجاری تشکیل می‌شود».

۲-۱. تعریف و ماهیت شرکت شخص واحد

طبق ماده ی ۲ دستورالعمل، شرکت شخص واحد، شرکتی است که یک عضو دارد، خواه توسط یک شخص تشکیل شود و یا در زمان حیاتش به دلیل از بین رفتن تعدد شرکا، کلیه سرمایه ی آن به یک شخص انتقال یابد. به عبارت دیگر، با یک شخص تشکیل و اداره می‌شود و در ایجاد و استمرار، به تعدد شرکا نیاز ندارد. شخص واحد، می‌تواند شخص حقیقی باشد یا حقوقی. به این معنا که شخص واحد می‌تواند یک شرکت تجاری باشد (Griffin, 2006:78).

با گسست شرکت تجاری از مفهوم مشارکت و امکان تشکیل شرکت شخص واحد، این سوال مطرح می‌شود که ماهیت حقوقی این نهاد نوظهور چیست؟ پیش از گسست شرکت از شراکت، به موجب نظریه قدیمی، شرکت یک قرارداد میان شرکا محسوب می‌شد که این قرارداد روابط میان شرکا را تنظیم می‌کرد اما، به دلیل اینکه شرکت به صرف توافق اشخاص قابل تشکیل نیست و به رعایت مقررات قانونی نیاز است. عنوان کرده اند که شرکت تجاری تاسیس حقوقی خاصی است که قانونگذار در اختیار اشخاص قرار داده است چراکه این قالب را نه اراده اشخاص بلکه قانون به وجود می‌آورد (سید احمدی سجادی، ۱۳۸۷: ۱۰۲-۱۰۴؛ عرفانی، ۱۳۸۱: ۲۰)

شرکت شخص واحد بی تردید نمی‌تواند یک قرارداد محسوب شود. چراکه در تشکیل آن تنها اراده یک شخص کارگزار است. به همین دلیل، بیشتر به ایقاع شباهت می‌یابد. درست است که مبنای تشکیل شرکت می‌تواند قرارداد یا اراده یک شخص در چارچوب مقررات قانونی باشد اما، خود شرکت تجاری یک قرارداد یا ایقاع محسوب نمی‌شود بلکه همان گونه که در تعریف بالا ذکر شد یک شخصیت حقوقی محسوب می‌شود که مبنای تشکیل آن اراده یک یا چند شخص در چارچوب قانون است.

۲. قالب شرکت شخص واحد

شرکت شخص واحد یک قالب استثنائی شرکتهای تجاری نیست تا قسم و همدردیف انواع شرکتهای تجاری باشد و در کنار شرکت تضامنی، با مسئولیت محدود و غیره، یکی دیگر از تقسیم

بندی‌ها در باب شرکت تلقی شود. بلکه شرکت شخص واحد یکی از فروع و زیرشاخه‌های شرکت‌های تجاری است که در کنار خصیصه‌های اساسی انواع شرکت‌های اصلی، مشخصه‌های منحصر به فردی دارد. حال این پرسش مطرح می‌شود که شرکت شخص واحد در قالب کدام یک از شرکت‌های تجاری تشکیل می‌شود یا امکان تشکیل دارد؟

با توجه به عنوان دستورالعمل و بند ۵ مقدمه آن، شرکت شخص واحد یکی از فروع قالب شرکت با مسئولیت محدود خاص^۱ است اما، با توجه به ماده ۶ دستورالعمل، می‌توان بر این نظر بود که دستورالعمل، تشکیل شرکت شخص واحد در قالب شرکت با مسئولیت محدود عام را نیز مجاز دانسته است (Bedrac, 2006:46). اما در حقیقت، مسئله‌ی اصلی این است که کشورهای عضو، هریک شرکت‌های عام و خاص را به گونه‌ای متفاوت تعریف می‌کنند. به همین دلیل است که که برخی از کشورهای عضو جواز تاسیس شرکت شخص واحد در قالب شرکت سهامی عام را داده‌اند. برای مثال، در آلمان تاسیس شرکت شخص واحد در قالب شرکت سهامی عام امکان پذیر است در حالی که در فرانسه حداقل تعداد شرکا برای تشکیل شرکت سهامی عام ۷ نفر است (Radenkovic Jocić, 2005:216-217; Prokopieva, 2004: 24)

در هر حال، با توجه به بند ۴ مقدمه دستورالعمل و ماده ۷ آن، تشکیل شرکت شخص واحد در قالب شرکتی مجاز است که مسئولیت شرکا در آن شرکت، به آورده‌ای محدود است که در اختیار شرکت قرار می‌دهند خواه شرکت با مسئولیت محدود خاص باشد یا عام. در واقع، بسیاری از اشخاص نمی‌خواهند خود را تاجر قلمداد کنند. چراکه تاجر در مقابل اشخاص ثالث مسئولیتی نامحدود دارند. در نتیجه، فعالیت تجاری را عملی پرخطر می‌بینند و از آن منصرف می‌شوند. به همین دلیل، دستورالعمل، در پی آن است تا کشورهای عضو به هر شکلی، به تاجر اجازه دهند تا از طریق تشکیل شرکت شخص واحد با مسئولیت محدود بتوانند به عملیات تجاری مبادرت نمایند بدون آنکه شخصا مسئول تادیه‌ی قروض آن باشند.

¹ . Private Limited Liability Company

علاوه بر این، با توجه به مواد ۴۷۹ و ۴۸۸ لایحه‌ی تجارت، تشکیل و استمرار حیات یک شرکت با یک شخص، تنها در قالب شرکت با مسئولیت محدود پیش بینی شده است. اما، در سایر شرکتها، تشکیل شرکت شخص واحد و استمرار حیات آن با یک شخص ممنوع شده است (مواد ۳۰۹ و ۳۱۰ لایحه‌ی تجارت).^۱

از لحاظ تحلیلی امکان تشکیل شرکت شخص واحد در قالب شرکت تضامنی و نسبی نیز امکان پذیر است هرچند در شرکت نسبی به دلیل مالکیت تمام سهم شرکت به یک شخص کاملاً به شرکت تضامنی شباهت پیدا خواهد کرد. به همین دلیل و با توجه به ماهیت و مفهوم شرکت نسبی، می توان بر این نظر بود که شرکت نسبی لزوماً باید چند شریک داشته باشد تا مفهوم نسبی بودن مسئولیت مصداق پیدا کند. شاید به همین دلیل باشد که در ماده‌ی ۵۰۶ لایحه تجارت، برای تشکیل شرکت نسبی نیاز به حداقل دو شخص است و با توجه به مواد ۳۰۹ و ۳۱۰ لایحه‌ی تجارت کاهش شرکای شرکت از این حداقل قانونی یکی از اسباب انحلال شرکت دانسته شده است.

در هر حال، تشکیل شرکت شخص واحد در قالب شرکت تضامنی، هرچند مزیت مسولیت محدود شخص واحد را از بین می برد اما، امری بی فایده نیست. چراکه از این طریق می توان برخی از فعالیت هایی که صرفاً در قالب شرکت قابل انجام است اجرایی شود (محمودی، ۱۳۸۴: ۶۱). از طرف دیگر، در عرصه‌ی عمل به ویژه بانک ها و موسسات اعتباری در رابطه با شرکت های با مسئولیت محدود و در معاملات با آنها ضمانت شخصی مدیر شرکت یا بعضی از شرکا را نیز مطالبه

^۱ . در ماده ۲۷۳ لایحه‌ی تجارت حداقل تعداد لازم برای تشکیل شرکت سهامی عام ۷ شخص، در ماده‌ی ۴۷۴ حداقل تعداد لازم برای تشکیل شرکت سهامی خاص ۳ شخص، در ماده‌ی ۵۳۲، حداقل تعداد لازم برای تشکیل شرکت مختلط غیرسهامی ۲ شخص، در ماده‌ی ۵۴۹ حداقل تعداد لازم برای تشکیل شرکت تعاونی سهامی خاص ۱۰ شخص، در ماده‌ی ۵۶۲ حداقل تعداد لازم برای تشکیل شرکت تعاونی غیرسهامی ۷ شخص، در ماده‌ی ۴۹۳ حداقل تعداد لازم برای تشکیل شرکت تضامنی ۲ شخص و در ماده‌ی ۵۰۶ حداقل تعداد لازم برای تشکیل شرکت نسبی ۲ شخص پیش‌بینی شده است.

می‌کنند. چراکه سرمایه‌ی این شرکتها به دلیل عدم پیش‌بینی قانون، بسیار کم است^۱ و به دلیل مسئولیت محدود شرکا ممکن است حقوق اشخاص ثالث تضییع شود (ستوده تهرانی، ۱۳۸۸، ج ۲:۳۰۴).

سوالی که در این بحث مطرح می‌شود این است که اگر تعداد شرکای هر یک از شرکت‌های موجود، از حداقل قانونی کمتر شود و به یک شخص تقلیل یابد، منحل می‌شوند؟ در نظام فعلی ایران با وجود اینکه قانونگذار تعدد شرکا را در تشکیل شرکت تجاری الزامی دانسته؛ اما راجع به ضمانت اجرای کاهش تعداد شرکا از حداقل قانونی سکوت کرده است. بسیاری از اساتید حقوق، بر این عقیده‌اند که وجود حداقل قانونی تعداد شرکا هم از عناصر تشکیل دهنده شرکت است و هم لازمه‌ی استمرار شخصیت حقوقی (ستوده تهرانی، ۱۳۸۸، ج ۲:۲۵۷؛ تفرشی، ۱۳۷۸: ۶۱).

با توجه به مواد ۳۰۹ و ۳۱۰ لایحه‌ی تجارت نیز کلیه‌ی شرکت‌های تجاری به غیر از شرکت با مسئولیت محدود، در تشکیل نیاز به حداقل دو یا چند شخص دارند و تعدد شرکا در بقا نیز الزامی است.

۳. نحوه‌ی تصمیم‌گیری در شرکت شخص واحد

در شرکت‌های تجاری مجمع عمومی از اجتماع شرکا یا سهام‌داران تشکیل می‌شود و این رکن در شرکت‌های تجاری همانند فرمانده عمل می‌کند و ارکان دیگر شرکت بدان وابسته هستند تا جایی که هیچ‌کدام از تصمیمات مهم در رابطه با حیات شرکت بدون تایید این مجمع اعتبار قانونی ندارد (اسکینی، ۱۳۸۳، ج ۲:۱۰۹). شرکت شخص واحد نیز با اینکه از یک شخص تشکیل می‌شود؛ اما ساختار و تکالیف مشابه‌ای همانند سایر شرکت‌های تجاری با تعدد شرکا دارد. با

^۱ در لایحه‌ی تجارت نیز حداقلی برای سرمایه تعیین نشده است: ماده‌ی ۴۸۱: شرکت با مسئولیت محدود با هر میزان سرمایه قابل ثبت است.

^۲ . برای دیدن نظر مخالف ر.ک: (تفرشی و امیر تیموری، ۱۳۹۲: ۱۶۴؛ عرفانی، ۱۳۸۱: ۱۷۶).

این تفاوت که شخص واحد مستقلاً اختیار به کارگیری و اداره‌ی سرمایه شرکت را بدون رجوع به اشخاص دیگر دارد و می‌تواند هرگونه دخل و تصرفی در آن بکند.

طبق بند یک ماده‌ی ۴ دستورالعمل، شخص واحد دارای اختیارات مجمع عمومی شرکت تک‌عضوی است. بنابراین، وی تنها شخصی است که به اعمال این اختیارات و تصمیم‌گیری می‌پردازد. به عبارت دیگر، با اینکه شخص واحد می‌تواند اختیار تصمیم‌گیری را به شخصی دیگری وکالت دهد تا این اختیارات را اعمال نماید اما، نمی‌تواند این اختیار را به دیگری منتقل کند. در این ماده، قلمرو صلاحیت مجمع عمومی پیش‌بینی نشده است و به حقوق کشورهای عضو واگذار شده است. در هر حال، هرگونه تصمیم‌گیری همیشه باید توسط شخص واحد به عنوان موسس نه به عنوان مدیر، امضا شود. علاوه بر این، مطابق بند دو ماده‌ی ۴ دستورالعمل، تصمیمات متخذه توسط شخص واحد باید در صورت جلسه‌ای ثبت شود یا به صورت مکتوب اتخاذ گردد. انتشار و عمومیت صورت جلسه، از حقوق و منافع اشخاص ثالث تا حدی حمایت می‌کند. در مقابل، دستورالعمل تعریفی از تصمیم‌گیری کتبی ارائه نکرده است. بنابراین، هرگونه نوشته‌ای که قابل خواندن باشد اعم از کاغذی، الکترونیکی، رسمی یا غیر رسمی قابل قبول است (Katinka, op.cit., p.39).

با توجه به ماده‌ی ۴۸۸ لایحه‌ی تجارت نیز، شخص واحد کلیه‌ی وظایف و اختیارات مجمع عمومی را برعهده دارد. این ماده مقرر می‌دارد: «هرگاه شرکت به وسیله‌ی یک شخص تأسیس شود یا پس از تشکیل به هر علت تعداد شرکای آن به یک شخص تقلیل یابد، شخص مذکور کلیه‌ی وظایف و اختیارات مجمع عمومی را برعهده دارد. در این صورت، رعایت مقررات مربوط به دعوت، تشکیل جلسه و تصمیم‌گیری در مجمع عمومی الزامی نیست».

همان‌گونه که مشاهده می‌شود لایحه‌ی تجارت تحت تأثیر این عقیده که شخص واحد مستقلاً اختیار به کارگیری و اداره‌ی سرمایه شرکت را بدون رجوع به اشخاص دیگر دارد و می‌تواند هرگونه دخل و تصرفی در آن بکند، هیچ مقرره‌ای راجع به ثبت تصمیمات یا تنظیم صورت جلسه پیش‌بینی نکرده است. در حالی که برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی شخص واحد باید

از طریق پیش‌بینی ثبت تصمیمات این شخص در شرکت به صورتی رسمی، امکان آگاهی اشخاص ثالث فراهم شود تا تصمیمات شخص واحد سبب تحمیل زیان بر شرکت و طلبکاران نگردد.

۴. معاملات میان شرکت و شخص واحد

یکی از مسائلی که در شرکت شخص واحد از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است استقلال شرکت به عنوان یک شخصیت حقوقی از شخص واحد است. همین امر سبب می‌شود که احتمال سوءاستفاده شخص واحد از اختیارات و وظایفش به ضرر اشخاص ثالث افزایش یابد. این امر زمانی برجسته‌تر می‌شود که شخص واحد خودش مدیریت شرکت را نیز برعهده داشته باشد. در این صورت، امکان آگاهی از معاملات شرکت از اهمیت زیادی برخوردار است. چراکه شخص واحد در چنین وضعیتی در صورت فقدان نهاد کنترل، ممکن است به ضرر اشخاص ثالث به انعقاد قراردادهایی با شرکت بپردازد و از این طریق کسب منفعت نماید. به عبارت دیگر، معامله شخص واحد با شرکت به نوعی معامله با خود محسوب می‌شود و در این گونه معاملات همیشه این خطر وجود دارد که شخص تنها به منافع خود بیاندیشد و به ضرر شرکت عمل کند.

به همین دلیل، دستورالعمل، ثبت در صورت جلسه و یا کتبی بودن این معاملات را الزامی کرده است. بند یک ماده ۵ دستورالعمل در این باره مقرر می‌دارد: «قراردادهای منعقد شده میان شخص واحد و شرکتی که به نمایندگی از آن عمل می‌کند، باید در صورت جلسه‌ای ثبت گردد و یا اینکه به صورت کتبی منعقد شود». هرچند نوع سند مشخص نشده است؛ اما هرگونه قرارداد میان آنها باید ثبت شود. بنابراین، هرگونه قرارداد میان شرکت و شخص واحد اعم از اینکه این شخص مدیر همان شرکت باشد یا خیر باید به صورت کتبی ثبت شود. چراکه شخص واحد به عنوان مالک شرکت اعم از اینکه مدیر شرکت باشد یا خیر ملزم است تا نسبت به دارایی شرکت و فرصتهای تجارت و اطلاعات محرمانه شرکت وفادار باشد و در فرض نقض این گونه تکالیف در برابر شرکت مسئول زیانهای وارده باشد.

پیش نویس اولیه‌ی دستورالعمل برخلاف متن نهایی آن در جهت حمایت از اشخاص ثالث در این رابطه شمارش تک تک هرگونه قرارداد ممکن را در اسناد اصلی شرکت پیش بینی کرده بود. چراکه شخص واحد معمولاً مدیریت شرکت را نیز بر عهده دارد و تشخیص اینکه آیا معاملات وی به نفع خودش است یا از جانب شرکت، بسیار دشوار است. با این وجود، چنین امری در متن نهایی پذیرفته نشد (Katinka, op.cit:45-47).

در لایحه‌ی تجارت نیز با اینکه در ماده‌ی ۲۲۵ محدودیت‌هایی برای معاملات منعقد شده میان شرکت و مدیران و شرکتهای مادر و وابسته، پیش بینی شده است اما، شرکت‌های تک عضو از این ماده استثنا شده است. با این وجود، قانونگذار در ماده‌ی ۴۸۹ مقرر می‌دارد: «کلیه‌ی صورت‌های مالی شرکت تک عضو باید به صورت سالانه به تأیید حسابدار رسمی برسد. تأییدیه‌ی مذکور برای مدیر یا مدیران این گونه شرکتهای در حکم مفاصاحساب دوره‌ی مدیریت است. حسابدار مذکور در این ماده، کلیه‌ی مسؤولیت‌های بازرسی شرکت را نیز دارد».

این گونه حمایت‌های کلی نمی‌تواند حقوق اشخاص ثالث را در رابطه با شرکتهای شخص واحد به طور کامل حفظ نماید و باب تقلب و کلاهبرداری صاحبان آن را باز می‌گذارد. به نظر می‌رسد قانونگذار که با پیش بینی شرکت شخص واحد گامی به سوی حقوق شرکتهای جدید برداشته است، الزامات وجود سالم چنین شرکتهایی را نیز مقرر نماید که از جمله آنها لزوم ثبت رسمی معاملات شرکت و شخص واحد اعم از اینکه مدیر باشد یا خیر، می‌باشد.

علاوه براین، تعارض میان منافع شخص واحد و شرکت، احساس امنیت اشخاص ثالث را در معامله با شرکت به خطر می‌اندازد و سبب سلب اعتماد آنها می‌شود. از طرف دیگر، معامله شخص واحد با شرکت، همیشه به ضرر شرکت نیست و ممکن است این گونه معاملات برای شرکت مفید باشد. در نتیجه، باید مقرراتی مناسب برای کنترل و مقابله با سوءاستفاده‌های احتمالی شخص واحد چه در مقام مدیر و چه در مقام مالک شرکت پیش بینی شود تا ضمن حفظ حقوق شرکت و طلبکاران، حق انعقاد قرارداد شخص واحد با شرکت نیز اعطا گردد. به همین دلیل، یکی از راهکارهای اساسی می‌تواند گرفتن وثیقه و تضمین‌های مناسب به اندازه‌ی دارایی اولیه شرکت از

شخص واحد باشد تا در صورت سوءاستفاده وی از اختیاراتش، حقوق طلبکاران زیان دیده شرکت محفوظ بماند (Rotondi, op.cit:1008).

به هر حال، در صورتی که شخص واحد به عنوان یک کارفرمای اقتصادی بدون توجه به شخصیت حقوقی شرکت، از شرکت به عنوان نقابی برای مخفی کردن هویت و شخصیت و انگیزه های خود استفاده کند^۱ می توان با نفوذ در حجاب شخصیت حقوقی شرکت^۲ و کنار نهادن قاعده استقلال شرکت از شخص واحد، به مسئولیت شخص واحد متقلب حکم داد. چراکه در این صورت دارایی شخصی شخص واحد با دارایی شرکت مخلوط می شود. این امر که با عنوان نظریه ی استثنای شخصیت ثانوی^۳ شناخته می شود برای اثبات مسئولیت شخص واحد در زمانی مورد استفاده واقع می شود که وی از شخصیت حقوقی شرکت در جهت انجام فعالیت هایی که به ضرر شرکت و اشخاص ثالث است، سوءاستفاده نماید.^۴

در صورت اثبات سوءاستفاده شخص واحد شخصیت حقوقی شرکت کنار گذاشته می شود و وی دیگر مسئولیتی محدود نخواهد داشت. به عبارت دیگر، حجاب شخصیت حقوقی شرکت از چهره ی شخص واحد برداشته می شود و مشخص می شود که شرکت، شخصیتی ثانوی برای شخص واحد است و شخصیت اصلی خود شخص واحد است (Griffin, op.cit., p.23; Presser, 2006:412).

نه در دستورالعمل و نه در لایحه ی تجارت، هیچ کدام به پیش بینی شیوه‌ای برای مقابله با سوءاستفاده شخص واحد از شرکت مبادرت ننموده‌اند. هرچند نقص دستورالعمل با مراجعه به حقوق کشورهای عضو جبران می شود اما، خلاء این امر در لایحه ی تجارت احساس می شود.

1. Corporate Veil

2. Pierce the Corporate Veil

نظریه ی نفوذ در حجاب شخصیت حقوقی شرکت ریشه در مقاله ای دارد که موریس ورمر در سال ۱۹۱۲ در مجله ی حقوق کلمبیا با این عنوان منتشر نمود (Klyachin, Spirina, 2013, p.98)

3. Alter Ego

۴. برای مطالعه ی تطبیقی نظریه ی شخصیت ثانوی در حقوق ایران و انگلیس ر.ک: (شهبازی نیا و همکاران، ۱۳۹۰:

نتیجه‌گیری

بررسی شرکت شخص واحد در دستورالعمل دوازدهم اتحادیه‌ی اروپا و اصلاحیه‌های بعدی آن، نشان می‌دهد که امکان تشکیل چنین شرکتی ریشه در انقلابی دارد که در مفهوم شرکت رخ داده است و آن را از مفهوم شراکت جدا کرده است. به همین دلیل در نظام حقوقی ایران پذیرش شرکت شخص واحد پیش از هر چیز، مستلزم تعریف شرکت تجاری در قانون تجارت به گونه‌ای است که بیانگر این گسست باشد.

تجویز شرکت شخص واحد در لایحه‌ی تجارت بدون ارائه تعریفی از شرکت از لحاظ نظری فاقد توجیه منطقی است. به عبارت دیگر، در لایحه‌ی تجارت باید تعریفی از شرکت ارائه شود تا مفهوم شرکت شخص واحد را نیز دربر بگیرد.

وانگهی تجویز شرکت شخص واحد بدون تعیین قوانین جامع و مانع راجع به کنترل مدیریت و انعقاد معاملات با شرکت و تصمیم‌گیری شخص واحد و غیره موجب سوءاستفاده‌هایی توسط شخص واحد می‌گردد. به همین دلیل بر مبنای بررسی‌های انجام شده در این مقاله پیشنهاد می‌شود که ماده‌ی ذیل به لایحه‌ی تجارت اضافه شود:

«شرکت شخص واحد شخصیت حقوقی مستقل از شخص واحد دارد و تعهدات شرکت باید توسط خود شرکت ایفا گردد مگر اینکه سوء استفاده شخص واحد از شرکت اثبات شود که در این صورت وی در مقابل طلبکاران مسئولیت نامحدود خواهد داشت».

فهرست منابع

الف - فارسی

- ۱- احمدوند، محمد رحیم، "بررسی عملکرد و بازدهی شرکت های دولتی"، *مجله اقتصادی*، شماره ۱۲، ۱۳۸۱.
- ۲- اسکینی، ربیعا، *حقوق تجارت (شرکت های تجاری)*، ج ۱ و ۲، چ ۷، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
- ۳- اعظمی زنگنه، عبدالحمید، *حقوق بازرگانی*، تحقیق سهراب امینیان، تهران، درس و تقریرات، ۱۳۵۳.
- ۴- تفرشی، محمد عیسایی، *مباحثی تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری*، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸.
- ۵- -----، امیر تیموری، سعیده، "شرکت تجاری تک‌عضوی و تطور تاریخی آن"، *پژوهشهای حقوق تطبیقی*، دوره ۱۷، شماره ۱، ۱۳۹۲.
- ۶- حسینی تهرانی، سید مرتضی، "شرکت و مفاهیم آن و مختصات شرکت مدنی"، *نشریه حق (مطالعات حقوقی و قضائی)*، شماره ۷، ۱۳۶۵.
- ۷- ستوده تهرانی، حسن، *حقوق تجارت*، تحقیق سید علی احمدی، ج ۲، چ ۱۶، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۸.
- ۸- سلامی، غلامرضا، "شرکت دولتی: چرا شرکت؟ چرا سهامی؟ چرا خاص؟"، *نشریه حسابدار*، شماره ۸۵ و ۸۶، ۱۳۷۱.
- ۹- سید احمدی سجادی، سید علی، "تحلیل شرکت از دیدگاه اقتصادی"، *مجله حقوق خصوصی*، شماره ۱۳، ۱۳۸۷.
- ۱۰- -----، "مقایسه شرکت مدنی و شرکت تجاری در حقوق ایران"، *مجله مجتمع آموزش عالی قم*، شماره ۴، ۱۳۷۸.
- ۱۱- شهبازی‌نیا، مرتضی، تفرشی، محمد عیسی، کاویانی، کوروش، فرجی، اسماعیل، "عبور از شخصیت حقوقی شرکت در فرض تقلب شریک در حقوق ایران و انگلیس"، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۷۴، ۱۳۷۵.
- ۱۲- صقری، منصور، "شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری"، *نامه اتاق بازرگانی*، شماره ۱۴۷، ۱۳۴۴.
- ۱۳- عرفانی، محمود، *حقوق تجارت*، ج ۲، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۱.
- ۱۴- کاتبی، حسینقلی، *حقوق تجارت*، چ ۱۲، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۷.

- ۱۵- کاتوزیان، ناصر، مشارکتها و صلح، ج ۶، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۳.
- ۱۶- -----، درسهایی از عقود معین، ج ۱، ج ۸، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۴.
- ۱۷- -----، اموال و مالکیت، ج ۱۶، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۶.
- ۱۸- کاشانی، محمود، "شرکت مدنی"، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، دوره دوم، شماره ۲، ۱۳۵۶.
- ۱۹- کاویانی، کوروش، حقوق شرکتهای تجارتي، تهران، انتشارات میزان، ۱۳۸۶.
- ۲۰- محمودی، اصغر، "تشکیل شرکت با عضو واحد"، فصلنامه مصباح دانشکده علوم انسانی دانشگاه امام حسین، دوره چهاردهم، شماره ۶۱، ۱۳۸۴.
- ۲۱- یگانه، فریدون، حقوق بازرگانی، تهران، انتشارات اشک قلم، ۱۳۸۸.

ب- انگلیسی

- 22- Andenas, Mads, Wooldridge, Frank *European Comparative Company Law*, Cambrid, Cambridge University Press, 2009.
- 23- Bedrac, Janja, "What Makes a Good Company?", *European Trade Union Institute for Research, Education and Health and Safety*, Report 94.2006.
- 24- Cataldo, Bernard F. (1953), *limited Liability with One Man Company and Subsidiary Corporations, Law and Contemporary Problems* , Vol. 18, No. 4.
- 25- Directive 2009/102/EC of the European Parliament and of the Council of 16 September on single-member private limited-liability companies, *Official Journal of the European Union* L 258/20, 1/10/2009 p. 20 – 25.
- 26- European Commission (2003-05-06). "Recommendation 2003/361/EC: SME Definition". Retrieved 2012-09-28.
- 27- Griffin, Stephen(2006), *Company Law Fundamental Principles*, Fourth edition, Pearson Longman.
- 28- Katinka, Beretka(2010), *Concept of Single Member Companies in the Light of EU Harmonization*, LL.M Short Thesis, Central European University, 1051 Bdapest, Nador utca 9.
- 29- Klyachin, Alexey Aleksandrovich, Spirina, Tatyana Anatolyevna (2013) "Piercing the Corporate Veil" Through the Mechanism of Bringing to the Subsidiary Responsibility in Russia and Abroad, *World Applied Sciences Journal* 28 (1): 98-102.